



عرفای شیعه به خضری غیر از «ابن عربی» متصل بودند

آیت‌الله غروی علیاری معتقد است این تصور که جمع کثیری از عرفای شیعه متأثر از مکتب تصوف و به طور دقیق‌تر متأثر از مکتب «محمّدالدین ابن عربی» می‌باشند اشتباه است و علت چنین سوء برداشتی را باید در عدم تشخیص صحیح جایگاه نبی مکرم اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) جست‌وجو کرد.

آیت‌الله غروی علیاری معتقد است این تصور که جمع کثیری از عرفای شیعه متأثر از مکتب تصوف و به طور دقیق‌تر متأثر از مکتب «محمّدالدین ابن عربی» می‌باشند اشتباه است و علت چنین سوء برداشتی را باید در عدم تشخیص صحیح جایگاه نبی مکرم اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) جست‌وجو کرد.

آیت‌الله غروی علیاری با مشربی نزدیک به علامه طباطبایی و ذوقی عرفانی و حکمی، به تفسیر قرآن می‌پردازد؛ مبانی تفسیر وی عرفانی، ادبی و فلسفی است؛ و از آنجا که وی از شاگردان علامه طباطبایی بوده، با تفاسیر شیعه و مشرب‌های ذوقی تشیع آشنا است. آیت‌الله غروی علیاری در یادداشتی که اختصاصاً برای خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، ارسال کرده است، به بررسی مبانی عرفان شیعی می‌پردازد که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

نسبت عرفان و اسلام

یادداشت کنونی به منظور بررسی و تشخیص جایگاه فلسفه و عرفان اسلامی به علاقه‌مندان ارائه شده است. نظر به پژوهش‌های بسیاری که از دیرباز تا کنون در حوزه فلسفه و عرفان انجام شده می‌توان گفت ماهیت این دو مبحث تا کنون توجه علما و اندیشمندان متعددی را به خود جلب کرده است.

در ابتدا با چند پرسش روبه رو هستیم این پرسش‌ها عبارتند از: آیا می‌توان قائل به عرفانی به نام عرفان شیعه بود؟ آیا عرفان و فلسفه اسلامی ماهیتی غیر اسلامی دارد و برخی علمای اسلام با تلفیق برخی اصول نسخه‌ای اسلامی از این گرایش خاص را ایجاد کرده‌اند؟ تفاوت‌های عرفان شیعه و تصوف که خود نوع مصطلح از عرفان است در چیست؟ آیا در صدر اسلام و در قرن اول و دوم هجری نیز عرفانی با نام عرفان شیعه وجود داشته است؟

در سال‌های اخیر منتقدان بسیاری موضوع عرفان را بیش از پیش بر سر زبان‌ها انداخته و اساس عرفان و فلسفه را غیر اسلامی نامیده‌اند. همچنین برخی از منتقدان ادعا می‌کنند که جمع کثیری از عرفای شیعه نیز متأثر از مکتب تصوف و به طور دقیق‌تر متأثر از مکتب «محمّدالدین ابن عربی» می‌باشند. علت اصلی چنین سوء برداشتی را باید در عدم تشخیص صحیح جایگاه نبی مکرم اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) جست‌وجو کرد. به منظور بررسی دقیق جایگاه عرفان اسلامی به ویژه عرفان شیعه سوالی مطرح می‌شود و آن این است که آیا پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت مکرم ایشان از اهل معرفت بوده‌اند یا خیر؟ آیا نبی مکرم اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) تکلیف الهی در جهت هدایت مردم را بر عهده نداشتند؟

در پاسخ به این پرسش می‌گوییم بدون شک پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) از اهل معرفت و برگزیده خداوند در جهت هدایت مردم بوده‌اند. حال چگونه می‌توان تصور کرد که افرادی که در درک معارف یگانه عالمیان بوده‌اند و همچنین وظیفه خطیر هدایت را بر عهده داشته‌اند دروسی انسان‌ساز را به انسان ارائه نکرده باشند. عبارت «سالک الی الله» به کسی اطلاق می‌شود که با جدیت در مسیر کسب معارف گام بر می‌دارد و عارف کسی است که معارف مورد نظر را تا حد ظرفیت خود به دست آورده است.

دلالت‌های عرفانی آیات قرآن

انسان عارف نمی‌تواند معارف مورد نظر را از اشخاصی به جز اهل معرفت دریافت کنند و همچنین این تصور که کسی معارف را از اندیشمندان دیگر دریافت کرده و در عرفان به مراتبی نائل شده فرضی محال است. لذا در پاسخ به منتقدان عرفان اسلامی به ویژه عرفان شیعه پاسخ می‌دهیم که عرفان اسلامی با نبوت پیامبر اسلام (ص) آغاز شده و با دروس اهل بیت (ع) به منتهای کمال رسیده است. با توجه به سرگذشت بسیاری از علمای شریف اسلام و بررسی دقیق زندگی صحابه پیامبر (ص) و شاگردان بسیاری از امامان معصوم (ع) به ویژه شاگردان امام صادق (ع) به خوبی مشخص است که موضوع عرفان اسلامی و به طور دقیق عرفان شیعه مبحثی کاملاً مستقل بوده و نام مشترک عرفان نباید باعث شود تا این علوم برگرفته از معارف اولیا خدا با تصوف و یا عرفان‌های دروغین دیگر مشتبه شده و یا با ریشه‌های خارج از اسلام معرفی گردد. خداوند متعال در قرآن مجید سوره فصلت، آیه ۳۰ خطاب به بندگان خود می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ. بِيْ كَمَانَ كَسَانِي كِه كُوِيْنْد پُروردگار ما خداوند است، سِپِس استقامت می‌ورزند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند [و می‌گویند] که مترسید و اندوهگین مباشید و مژده باد شما را به بهشتی که به شما وعده داده بودند» (فصلت/۳۰).

بر اساس آنچه مفسران قرآن و عرفای شریف اسلام فرموده‌اند آیه ذکر شده خطاب به اهل معرفت است. سالک الله است که در راه رسیدن به حق استقامت کرده و با وجود موانع بسیار مسیر خطیر کسب معارف را طی کرده و سرانجام به کمالات انسانی نائل می‌شود. از این رو خداوند متعال به این جمعیت از بندگان خود که در راه رسیدن به حق و کسب معارف استقامت

می‌ورزند بهشت جاویدان را وعده فرموده است.

سلوک در بیان معصومین(ع)

در این خصوص از نبی مکرم اسلام نقل شده است که: «مَنْ عَرَفَ تَقْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» آنکه به نسبت به خود معرفت پیدا کند نسبت به پروردگار خود معرفت یافته است». عرفای اسلام از صدر اسلام شناخته شده می‌باشند برای مثال سلمان فارسی که از صحابه پیامبر(ص) بوده بر اساس آنچه نقل شده به درجه ۱۰ ایمان که منتها درجه است نائل می‌شود. روایات مشابهی نیز در رابطه با برخی از شاگردان خاص ائمه اطهار به ویژه صحابه امام صادق (ع) وجود دارد.

از امام صادق (ع) نیز نقل شده است که: «إِنَّ أَفْضَلَ الْقَرَائِصِ وَأَوْجَبَهَا عَلَى الْإِنْسَانِ مَعْرِفَةُ الرَّبِّ وَالْإِقْرَارُ لَهُ بِالْعُبُودِيَّةِ: برترین واجبات و واجب‌ترین آنها بر انسان، معرفت پروردگار و اقرار به بندگی برای اوست».

امام صادق (ع) جمعی از شاگردانشان را با علم الهی خود به مسیر کسب معارف هدایت کرده بودند که برخی از صحابه ایشان در قالب عرفای عصر خود از شهرت و اعتبار مطلوبی برخوردار بودند. در این زمان بود که جمعیتی از اهل تصوف خود را از اهل معرفت معرفی کرده و برای مباحثه به خدمت امام(ع) شرفیاب شدند. بزرگان صوفیه در مباحثه با امام (ع) پاسخ‌های محکمی دریافت کرده و پس از آن زمان دیگر منظره‌ای فی ما بین امام(ع) و اهل تصوف رخ نداد اما به طور کلی چنین روایاتی خود گویای این مطلب است که عرفان اسلامی در بین اهل بیت(ع) و پیامبر(ص) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است.

پس از غیبت امام زمان(ع) عرفای شیعه در زمان خود افرادی مشخص و مشهور بوده‌اند برای مثال عالمی همچون «سیدمرتضی علم الهدی» که ولادت او به بیش از ۲۰۰ سال پیش از «محمّد الدین ابن عربی» باز می‌گردد خود فخر عالم عرفان و فقه شیعه بوده است. از استاد بزرگوار این عارف مرحوم «شیخ مفید» نقل شده است که ایشان شبی در خواب دیده‌اند که حضرت فاطمه(س) به همراه پسران مکرمشان امام حسن(ع) و امام حسین(ع) به دیدن ایشان آمده و از وی درخواست کردند که فقه شیعه را به فرزندان‌شان آموزش دهند. شیخ مفید از خواب بیدار شده و به فکر فرو می‌رود که تعبیر این خواب چیست؟ روز بعد بانویی محترم به همراه دو پسر خود به دیدن ایشان آمده و از وی درخواست می‌کنند که فقه شیعه را به پسران او یعنی «سید مرتضی» و «سید رضی» آموزش دهند و شیخ مفید نیز تعبیر خواب را دریافت و آن دو شاگرد جدید را می‌پذیرند. این دو شخصیت در ادامه به مراتب بالای علمی و معرفتی رسیده تا جایی که سید رضی با گردآوری کلام حضرت امیر(ع) کتاب شریف نهج‌البلاغه را تالیف می‌کند و برادر دیگر یعنی شیخ مرتضی در فقه اسلامی به مراتب بالایی می‌رسد. در این زمان نقل قول شده که «ابوسعید محمد ابن حسین» وزیر حاکم وقت در سال ۴۲۰ هجری قمری بیمار می‌شود و در خواب حضرت امیر به ایشان خطاب می‌کنند تا به «علم الهدی» بگو تا برای بهبودی تو دعا کند. پس از مدتی وزیر که به سختی بیمار بود در می‌یابد که منظور از علم الهدی همان فقیه شیعه سید مرتضی می‌باشد.

از این رو از وی درخواست دعا کرد تا شفا یابد و در ادامه جایگاه والای او در کسب معارف نیز برای عموم آشکار می‌شود. همچنین مشخص است که عرفان شیعه (که منطبق بر تعالیم معصومین است) قدمتی به مراتب بیش از عرفان مصطلح و یا به عبارتی تصوف به جا مانده از ابن عربی داشته است.

علم عملی و لذت بخش و روح افزا مثل علم عرفان وجود ندارد. فقیه بلند پایه ای مانند شیخ مرتضی انصاری از افرادی بودند که لذت عرفان اسلامی (بر پایه تعالیم اهل بیت را) به خوبی درک کرد. شیخ انصار روز های شنبه تا چهارشنبه هر هفته را به تدریس فقه و اصول اسلامی اشتغال داشتند و روزهای پنج‌شنبه و جمعه برای کسب معارف در کلاس «سید علی آقا شوشتری» حاضر می‌شدند. بسیار جای حیرت است که «شیخ انصار» که خود فقه و اصول را به «سید علی آقا شوشتری» درس می‌داد هفته‌ای ۲ روز در حوزه علمیه نجف اشرف همچون شاگردی در کلاس عرفان آقای شوشتری حاضر می‌شدند. در ادامه نیز شیخ انصار برای یادگیری فلسفه به مشهد مقدس رفت و در کلاس فلسفه و حکمت «حاجی سبزواری» شرکت می‌کردند. در این مقطع نیز شیخ مرتضی انصاری هر روز صبح به حاجی سبزواری فقه و اصول اسلامی تدریس و در زمان عصر خود به عنوان یک شاگرد از حاجی سبزواری حکمت و فلسفه می‌آموخت.

فقیه بلند پایه شیعه، شیخ مرتضی انصاری شاگردان بسیاری در درس فقه و اصول داشته‌اند که از آن جمله می‌توان به نام «عارف صمدانی ملا حسینقلی همدانی» اشاره کرد. این عارف بزرگ خود با راهنمایی شیخ انصار بر سر کلاس عرفان سید علی آقا شوشتری حاضر می‌شد. سال‌ها بعد روزی شخصی به دیدن فقیه بلند پایه آیت الله العظمی فاضل شریانی رفت و به بدون درک صحیح از عرفان شیعه به ایشان اظهار کرد که «ملا حسین قلی همدانی» صوفی شده و به شاگردان خود درس تصوف می‌دهد! آیت الله العظمی شریانی نیز در پاسخ گفت: «اگر تصوف این است ای کاش من هم صوفی بودم! ملا حسینقلی همدانی شخصیتی است که توانسته بیش از هفتاد شاگرد را مانند عارف کامل شیخ محمد بحاری، آقا سید احمد آقای کربلایی، آیت الله العظمی میرزا جواد ملکی تبریزی و غیره را تربیت کند».

چنین پیشینه‌ای خود در عظمت فلسفه و عرفان اسلامی کفایت می‌کند. عرفان یکی از پایه‌های اصلی اسلام است کسانی که نقدی بر صحت عرفانی اسلامی دارند یا به عظمت این علم توجه ندارند و یا از روی کم لطفی، عدم فهم صحیح و نرسیدن به عظمت و لذت آن چنین علمی را منکر می‌شوند. نکته اصلی در فلسفه و عرفان این است که این ۲ علم بسیار سنگین بوده و درک آن به زمان و تلاش زیادی نیاز داشته است لذا در حوزه‌های علمیه از دیر باز تا کنون افراد کمی به یادگیری آن علاقه نشان می‌دادند. در ادامه کسانی که از عظمت این دو علم مقدس بی‌خبر بوده‌اند همواره نقدهایی بر این ۲ علم وارد می‌کنند در انتها نیز دعا می‌کنیم که خداوند عالم همه ما را به آنکه رضای خود در اوست هدایت کند.

آیت‌الله جواد آقا غروی علیاری